



تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محسن خوش‌طینت^۱

نجمه حاجیان^۲

فرشته یآوری^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به نقش تعدیل گر حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، تنوع جنسیت، اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل داده است و نمونه آماری شامل ۷۰۰ سال-شرکت طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون لجستیک استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد. همچنین یافته‌های پژوهش رابطه معناداری را بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی، تنوع جنسیت و اندازه کمیته حسابرسی با حساب‌آرایی نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر یافته‌ها حاکی از آن است که حق‌الزحمه حسابرسی موجب تعدیل رابطه بین استقلال، اندازه، تنوع جنسیت اعضا، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، حق‌الزحمه حسابرسی، حساب‌آرایی

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، واحد تهران، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. m.khoshtinat@khatam.ac.ir

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، واحد تهران، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
n.hajian@khatam.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و علوم مالی، واحد تهران، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.
fryavari75@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

مقدمه

در سال‌های اخیر، تلاش‌های حرفه‌ای مداومی از جانب نهادهای قانون‌گذار و استانداردها‌گذار حرفه حسابداری در راستای ارتقای کیفیت و دقت گزارشگری مالی و حفاظت از منافع ذینفعان صورت‌های مالی صورت پذیرفته است. دلیل این امر این است که گزارشگری مالی به واسطه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران، یک مولفه مهم در ساختار حاکمیت شرکتی قلمداد می‌شود. (ویتینگتون، ۱۹۹۳) بسیاری از رسوایی‌های مالی که در سطح جهان تا کنون رخ داده است بر موضوع مدیریت سود صحنه گذاشته‌اند. مدیریت سود موجبات گمراه‌سازی سرمایه‌گذاران را در مورد عملکرد شرکت فراهم می‌کند، چرا که موجب مخا‌بره اطلاعات اشتباه و نامربوطی در ارتباط با عملکرد شرکت می‌گردد. (ابوت و پیترز، ۲۰۰۴) علاوه بر این، دسترسی محدود به اطلاعات مدیریتی از جمله عواملی است که موجب می‌شود تا اعتباردهندگان و سهامداران چاره‌ای جز اتکا بر گزارشگری مالی برای اخذ تصمیمات مطلوب نداشته باشند (مانجنا و پایک، ۲۰۰۵). اتکای زیاد بر اعداد و ارقام حسابداری موجب ایجاد انگیزه‌هایی در مدیران می‌شود تا سود حسابداری را در راستای منافع خویش مدیریت یا هموار کنند (یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵).

ادبیات علمی پیشین تصدیق می‌کند که اجرای مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب حداقل شدن میزان مدیریت یا هموارسازی سود و بهبود مسئولیت پاسخگویی شرکت خواهد شد. پژوهشگران پیشین طبق نظریه نمایندگی استدلال کرده‌اند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی همانند هیأت‌مدیره، ساختار مالکیت و کمیته‌های حسابرسی ممکن است موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی و هموارسازی سود گردند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی اثربخش از حقوق سرمایه‌گذاران در دریافت اطلاعات منصفانه و حقیقی مرتبط با شرکت حراست می‌نماید (ارای و اف ایچ ام، ۲۰۰۶).

در این راستا، یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی سودمند در صیانت از کیفیت گزارشگری مالی، کمیته‌های حسابرسی هستند (بیسلی و لاپیدز، ۲۰۰۰). هیأت‌مدیره شرکت‌های سهامی غالباً مسئولیت نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی را به کمیته‌های حسابرسی محول می‌کنند. موضوعی که توجه سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران و محافل حرفه‌ای را بیش از همه به خود جلب کرده است، اثربخشی کمیته‌های حسابرسی می‌باشد. علت این امر را می‌توان این واقعیت دانست که با وجود الزامی بودن شکل‌گیری و فعالیت کمیته‌های حسابرسی در بسیاری از کشورها و بازارهای سرمایه، اثربخشی این کمیته به عنوان یک مکانیزم حاکمیت شرکتی همچنان مجال طرح پرسش دارد ((بیسلی و لاپیدز،

۲۰۰۰). از طرفی برخی مطالعات اخیر عنوان می‌کنند که میان جنبه‌های کلیدی کمیته‌های حسابرسی (استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی) و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط معنی‌دار منفی وجود دارد. (بالا و شاری، ۲۰۱۹، برینسل و کاردینالز، ۲۰۱۴، کاررا و کارمونا، ۲۰۱۷، گاو و هانگ، ۲۰۱۸، حاجی و این فوز، ۲۰۱۶). لذا با توجه به ابهامات پیش گفته، مسأله اصلی در پژوهش حاضر این گونه مطرح می‌شود که آیا ویژگی‌های کمیته حسابرسی که در قالب اثربخشی آن بیان شده، موجبات کاهش رویه حساب‌آرایی و به تبع آن، افزایش کیفیت گزارشگری مالی را فراهم خواهد آورد یا خیر. از طرفی پژوهش‌های پیشین استدلال کرده‌اند که وظیفه کمیته حسابرسی اصولاً نمادین و تشریفاتی بوده و از این جهت به پیش‌بینی‌های نامشخص منجر می‌شود، چرا که نمی‌توان این وظیفه را تلویحاً از مضمون رسمی سازمان تفکیک کرد (باکر و دیت هارت، ۲۰۱۴، بالا و شاری، ۲۰۱۹ و کوهن و کریشنامورتی، ۲۰۰۸). گفتمان پیشین توسط پژوهش یانگ و دینگ (یانگ و دینگ، ۲۰۱۲) تایید شده است. با فرض استدلال‌های فوق، انتظار می‌رود تا حق‌الزحمه‌های حسابرسی بتواند ارتباط میان اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل کند. علت این امر آن است که حق الزحمه‌های حسابرسی منعکس‌کننده تلاش‌های حسابرسی و بالطبع کیفیت حسابرسی بوده و کیفیت حسابرسی نیز اطمینان خاطر بیشتری از کیفیت گزارشگری مالی فراهم می‌کند. (دیفوند و ژانگ، ۲۰۱۴). بنابراین در مرحله بعدی پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد که آیا حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند روابط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها را تعدیل کند.

کمیته حسابرسی

یکی از اصلی‌ترین مفاهیمی که در سال‌های اخیر به ویژه پس از رسوایی‌های مالی از جمله انرون و ورلداکام در کانون توجه نهادهای قانون‌گذاری و حرفه‌ای قرار گرفته است ایجاد کمیته‌هایی در جهت تقویت حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی می‌باشد (گرین، ۲۰۰۵). به عنوان مثال قانون ساربینز اکسلی (۲۰۰۲) در امریکا شرکت‌ها را موظف نمود که کمیته‌های حسابرسی با حداقل ۳ عضو تشکیل دهند (ابوت و رانگاناندان، ۲۰۰۴). کمیته حسابرسی از اعضای غیر موظف هیأت مدیره به تعداد ۳ الی ۵ نفر و در برخی موارد ۷ نفر تشکیل می‌شود که مسئولیت نهایی نظارت بر فرایند گزارشگری مالی، کنترل داخلی و فعالیت‌های حسابرسی را به عهده دارند. نکته اساسی در خصوص کمیته حسابرسی، اثربخشی این واحد است. برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی باعث افزایش میزان

اثربخشی آن می‌شود. این ویژگی‌ها که اغلب مطالعات به آن اشاره داشته‌اند شامل تخصص مالی اعضا، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی است (فخاری و نتایج کردی، ۱۳۹۴، کردلوی و یوسفی، ۱۳۹۶، بلا و شاری، ۲۰۱۹ و فلو و سولیری، ۲۰۰۳). از آنجا که مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی، نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی است، تخصص حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی برای شناختن و محدود کردن دستکاری‌های احتمالی، پیش‌بینی شده است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). لذا منظور از تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، نسبت حضور اعضای متخصص با تخصص حسابداری و علوم مالی در کمیته حسابرسی می‌باشد. (پرسونز، ۲۰۰۹). استقلال اعضای کمیته حسابرسی به معنی وابستگی نداشتن اعضای این کمیته به شرکت است. انتخاب اعضای کمیته خارج از سازمان، موجب می‌شود تا استقلال اعضای کمیته حسابرسی افزایش یابد. زمانی که مدیران موظف در کمیته حسابرسی عضو نباشند حسابرسان راحت‌تری توانند مسائلی از جمله نقاط ضعف کنترل داخلی، اختلاف نظر با مدیریت و غیره را با کمیته حسابرسی در میان بگذارند (اورادی و ایزدی، ۲۰۰۹).

همچنین ادبیات علمی پیشین در زمینه جنسیت کمیته حسابرسی بر این موضوع استناد کرده‌اند که حضور مدیران خانم در کمیته‌های حسابرسی موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی و منجر به افزایش سلامت مالی شرکت می‌شود. (فواد، ۲۰۱۷). اندازه کمیته حسابرسی نیز می‌تواند تأثیرزایی بر اثربخشی آن داشته باشد به دلیل اینکه با زیاد بودن تعداد اعضا نظارت بهتری صورت می‌گیرد البته تعداد افراد دارای تجربه و تخصص نیز باید بیشتر باشد، در صورتی که تعداد اعضای کمیته حسابرسی کم باشد، کمبود مهارت و تجربه آن‌ها نمی‌گذارد فعالیت بیشتری را انجام دهند (رحمت و صالح، ۲۰۰۹). تعداد اعضای مناسب در کمیته حسابرسی اجازه می‌دهد تا اعضا از تخصص خود به نفع ذینفعان استفاده کنند (بکستر، ۲۰۰۹). هم‌چنین ادبیات علمی پیشین به این موضوع استناد کرده است که ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان مولفه‌های مهمی از ساختار حاکمیت شرکتی، تأثیر شگرفی در کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیران و بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارند. به عنوان نمونه، باکستر (بکستر، ۲۰۰۹). استدلال کرده است که شکل‌گیری یک کمیته حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود خواهد شد. آبادی و حیجازی و راهاله، ۲۰۱۶ عنوان می‌کنند که وجود کمیته‌های حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

حساب‌آرایی

حساب‌آرایی^۱ ابزاری است که مدیران را قادر می‌کند در چارچوب قوانین و استانداردهای حسابداری اقدام به مدیریت سود به شیوه‌ای که مدنظرشان است بپردازند. حساب‌آرایی می‌تواند مترادف با هموارسازی سود، مهندسی مالی، حسابداری خلاقانه و یا مدیریت سود به کار گرفته شود. این گونه استدلال می‌شود که رویه‌های حساب‌آرایی در طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها متداول شده است (دیچو و اسکاردن، ۲۰۱۰). تئوری نمایندگی استدلال می‌کند که وظیفه اصلی کمیته حسابرسی حصول اطمینان از این است که مدیران در راستای بهترین منافع سهامداران انجام وظیفه کنند. حساب‌رسان مستقل نیز نقش حیاتی در ساختار حاکمیت شرکتی ایفا می‌کند و به عنوان مکانیزم مکمل در راستای تقویت حفاظت قانونی از سهامداران خدمت می‌کند (چویی و وانگ، ۲۰۰۲). وظیفه حساب‌رسان مستقل می‌تواند به عنوان ابزاری برای فرآیندهای نظارتی محسوب شود که گزارشگری مالی را بهبود بخشیده و اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به عملکرد شرکت و اوراق بهادار قابل معامله را افزایش می‌دهد (ایسلام و ایسلام، ۲۰۱۰). بنابراین، این گونه استدلال شده است که نهادهای قانون‌گذار، دولت و انجمن‌های حرفه‌ای بین‌المللی، حاکمیت شرکتی را به عنوان ابزاری قدرتمند در نظر می‌گیرند که می‌تواند قابلیت اتکا و شفافیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد (بماهور و بهاسیم، ۲۰۱۶). کمیته‌های حسابرسی فعال‌تر، تلاش‌های حسابرسی بیشتری را موجب شده و بدین ترتیب حق الزحمه حسابرسی بیشتری را در راستای حفظ شهرت شرکت به آن تحمیل می‌کنند که این امر موجب بهبود منافع سهامداران و اعتبار گزارشگری مالی می‌شود. (کارسلو و ریلی، ۲۰۰۲)

قوانین و دستورالعمل‌های مختلفی در پی مباحث پیش‌گفته در کشورهای مختلف تدوین شده‌اند تا مدیران و حساب‌رسان را در جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی در سطح جهانی راهنمایی کنند که از آن جمله می‌توان به قانون ساربنز-اکسلی^۲ در ایالات متحده امریکا (۲۰۰۲)، دستورالعمل (CAPFR)^۳ در کشور نیوزلند (۲۰۱۱)، دستورالعمل (FPACPP)^۴ در کشور استرالیا (۲۰۱۳) و دستورالعمل (CPLAA)^۵ در کشور انگلستان (۲۰۱۵) اشاره کرد. اهداف این دستورالعمل‌ها یا قوانین، بهبود رویه‌های گزارشگری مالی در سطح جهانی می‌باشد. با این حال، اهمیت کمیته‌های حسابرسی و

^۱ Cosmetic accounting

^۲ Sarbanes-Oxley act

^۳ The Code of Accounting Practice and Financial Reporting (CAPFR)

^۴ The Financial Planning Association Code of Professional Practice (FPACPP)

^۵ The Code of Practice on Local Authority Accounting (CPLAA)

ارتباط آن‌ها با کیفیت گزارشگری مالی در پی ورشکستگی چندین شرکت برجسته به دلیل سوء رفتار مالی مدیران آن‌ها افزایش یافته است. از این رو سرمایه‌گذاران و قانون‌گذاران به طور متناوب نقش حسابرسان مستقل و کمیته‌های حسابرسی را زیر سوال برده‌اند، چرا که گمراه‌کننده و اشتباه بودن گزارش‌های مالی حسابرسی شده در چندین رسوایی مالی اخیر تصدیق شده است (بلا و سهاری، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

بلا و همکاران در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، تخصص حقوقی و تنوع جنسیت اعضای کمیته حسابرسی) بر حساب‌آرایی و نقش تعدیلگر حق‌الزحمه حسابرسی در بورس نیجریه پرداختند. نتایج این پژوهش با استفاده از روش رگرسیون لجستیک و نمونه‌ای متشکل از ۶۲۴ سال-شرکت طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۶ حاکی از آن است که تخصص مالی، تخصص (قانونی) اعضای کمیته حسابرسی و عضویت زنان در کمیته حسابرسی با حساب‌آرایی ارتباط منفی معنادار دارد. همچنین حق‌الزحمه حسابرسی موجب تعدیل شدن رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی می‌شود. (بلا و ساری، ۲۰۱۹).

نلوان و تاسوریا در پژوهشی به بررسی رابطه میان اثربخشی استقلال و تخصص کمیته حسابرسی در جلوگیری از بروز رویه‌های مدیریت سود در نمونه‌ای متشکل از ۶۴۵ شرکت سهامی پذیرفته شده در بورس اندونزی در طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۵ میلادی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که استقلال کمیته حسابرسی در جلوگیری از رویه مدیریت سود موثر واقع می‌شود. با این حال، نتایج نشان داده است که تخصص کمیته حسابرسی تاثیری بر رویه‌های مدیریت سود نداشته است. (نلوان و تاسوریا، ۲۰۱۹).

کیبیا و امران در پژوهشی به بررسی رابطه بین استقلال، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، مالکیت و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. یافته‌های آنان با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۰۱ شرکت غیر مالی پذیرفته شده در بورس نیجریه طی دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴ و با استفاده از رگرسیون چند متغیره نشان دهنده آن است که اقدامات نظارتی کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد و متغیرهایی از جمله تخصص مالی، استقلال اعضا و مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر منفی معناداری دارد. (کیبیا و امران، ۲۰۱۶).

بگستر و کاتر در پژوهشی به بررسی چگونگی ارتباط کمیته‌های حسابرسی در خصوص ارتقای کیفیت سود برای چندین مورد از شرکت‌های پذیرفته شده استرالیایی قبل از الزامات به کارگیری کمیته حسابرسی در سال ۲۰۰۳ پرداختند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن است که ایجاد کمیته‌های حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود می‌شود. همچنین در این پژوهش بین تخصص و تجربه اعضای کمیته حسابرسی با دو روش سنجش کیفیت سود ارتباط معناداری مشاهده گردید و ویژگی‌های دیگر کمیته حسابرسی (استقلال، قدمت کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی) مورد بررسی واقع گردیده و نتایج حاصل نشان دهنده عدم ارتباط معناداری با کیفیت سود می‌باشد. (بکستر و کاتر، ۲۰۰۹).

سلامی و چریف [۳۹] در پژوهشی به آزمون رابطه میان جنسیت کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره و بر مبنای نمونه‌ای متشکل از ۷۹۰ سال-شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کشور سوئد طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ میلادی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان حق‌الزحمه حسابرسی و حضور زنان در کمیته حسابرسی ارتباط معنی‌دار مثبت برقرار است. (سلامی و چریف، ۲۰۲۰).

پیشینه داخلی

نصیری وجعفرزاده در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (استقلال، اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی) و تقلب با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره و بر مبنای نمونه‌ای متشکل از ۲۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۷ ساله (۱۳۸۹-۱۳۹۵) پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، علاوه بر این اندازه کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد. (نصیری وجعفرزاده، ۱۳۹۸).

معینیان و حیدریان و معینیان در پژوهشی به بررسی نقش تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۴۱ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۶ انتخاب شد. نتایج پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات حاکی از عدم تاثیرپذیری کیفیت سود شرکت‌ها از تجربه مالی

اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. به عبارت دیگر تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت سود تاثیر معناداری ندارد. (معینیان، حیدریان و معینیان، ۱۳۹۸)

رضا زاده، عبدی و کاظمی در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با استفاده از نمونه ایی ۱۳۶ شرکت (۵۴۴) مشاهده طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۴ پرداختند. متغیرهای تخصص، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی به عنوان ویژگی‌های کمیته حسابرسی مورد استفاده قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش مورد نظر حاکی از آن است که بین استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معنادار و منفی وجود دارد ولیکن بین اندازه کمیته حسابرسی و تجدید ارائه رابطه معناداری وجود ندارد. (رضازاده، عبدی و کاظمی، ۱۳۹۶)

کردلوئی و یوسفی در پژوهشی به بررسی رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت صورت‌های مالی با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۴۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۴ پرداختند. متغیرهای تخصص مالی، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی به عنوان ویژگی‌های کمیته حسابرسی مورد استفاده قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش مورد نظر حاکی از آن است که کیفیت صورت‌های مالی به طور مستقیم تحت تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی قرار گرفته و بهبود می‌یابد. (کردلوئی و یوسفی، ۱۳۹۶).

سلیمانی امیری و فصیحی در پژوهشی به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. مدیریت واقعی سود از طریق روش رویچادوری (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شده است و مدیریت سود تعهدی با استفاده از روش تعدیل شده جونز محاسبه شده است. نمونه آماری پژوهش از شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۰ عضو بورس بوده و در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ دارای کمیته حسابرسی باشند، تشکیل شد. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که از میان ابعاد کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار و معکوس دارد، اما سایر ابعاد کمیته رابطه معنی‌داری با مدیریت سود مصنوعی ندارند و تنها متغیری که با مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معنی دار دارد، سطح تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. (سلیمانی امیری و فصیحی، ۱۳۹۴).

فخاری، محمدی و نتایج کردی (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل استقلال، اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی) بر مدیریت سود از طریق ارقام واقعی پرداختند. نتایج آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران در طی سال ۱۳۹۲ و با بهره‌گیری از روش مقطعی، حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق هزینه‌های اختیاری تأثیر معنی‌دار معکوس دارد. با این حال، پژوهش مذکور ارتباط معنی‌داری میان تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق تولید غیرعادی را نشان نمی‌دهد. علاوه بر این، پژوهش مذکور نشان می‌دهد که استقلال اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود از طریق دستکاری فروش ارتباط معنی‌داری داشته، اما مدیریت سود از طریق تولید غیرعادی تأثیر معنی‌داری بر استقلال اعضای کمیته حسابرسی ندارد. همچنین، نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که استقلال اعضای کمیته حسابرسی به گونه‌ای معکوس یا منفی تحت تأثیر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های اختیاری قرار می‌گیرد. در نهایت، پژوهش مذکور نشان می‌دهد که اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از حد و مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری ارتباط منفی دارد.

اگرچه مطالعات بسیاری در رابطه با مدیریت سود در ایران انجام گرفته است، اما کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی شرکت‌ها را با توجه به نقش تعدیلگر حق‌الزحمه حسابرسی مدنظر قرار داده باشد. در این مطالعه تلاش می‌شود تا حد امکان این خلا پژوهشی برطرف گردد. (فخاری، محمدی و نتایج کردی ۱۳۹۴).

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مباحث بیان شده در مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد.

فرضیه دوم: تنوع جنسیت اعضای کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد.

فرضیه سوم: اندازه کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد.

فرضیه چهارم: استقلال کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد.

فرضیه پنجم: حق‌الزحمه حسابرسی موجب تعدیل رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها می‌شود.

فرضیه ششم: حق‌الزحمه حسابرسی موجب تعدیل رابطه بین تنوع جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها می‌شود.

فرضیه هفتم: حق الزحمه حسابرسی موجب تعدیل رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها می‌شود.

فرضیه هشتم: حق الزحمه حسابرسی موجب تعدیل رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روابط بین متغیرها علی و از لحاظ زمان داده‌ها پس‌رویدادی است. گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به روش آرشیوی^۱ می‌باشد. بدین ترتیب که داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های شرکت‌ها که در سایت کدال نمایه می‌گردد، گردآوری شده است. همچنین مبانی نظری از کتب، مقالات معتبر، پایان‌نامه‌های دانشجویی و سایت‌های اینترنتی معتبر گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار اکسل و نرم افزار آماری استاتا استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۴-۱۳۹۸ می‌باشد. با استفاده از روش غربالگری، شرکت‌هایی که ویژگی‌های زیر را نداشتند از نمونه حذف شدند.

۱- شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۴ در بازار بورس پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۳۹۸ در بورس فعال باشند.

۲- به دلیل استفاده از شاخص اِکِل (۱۹۸۱) به عنوان شاخص سنجش حساب‌آرایی یا هموارسازی سود شرکت‌ها و نیز لزوم رعایت تجانس در عملیات آن‌ها، شرکت‌های مورد نظر باید تماماً تولیدی بوده و در زمره شرکت‌های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری قرار نداشته باشند.

۳- شرکت‌های مورد نظر دارای کمیته حسابرسی بوده و اطلاعات مالی مرتبط با آن‌ها در دسترس بوده و افشا شده باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، تعداد نمونه نهایی برابر با ۷۰۰ سال- شرکت می‌باشد.

¹ Archival

با استناد به ادبیات پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی لجستیک (۱) به شرح زیر استفاده شده است.

$$\beta_1 ACFAE_{it} + \beta_2 FACM_{it} + \beta_3 ACSZ_{it} + \beta_4 ACID_{it} + \beta_5 AUPR_{it} + CSA_{it} = \beta_0 + \beta_6 ACFAE_{it} * AUPR_{it} + \beta_7 FACM_{it} * AUPR_{it} + \beta_8 ACSZ_{it} * AUPR_{it} + \beta_9 ACID_{it} * AUPR_{it} + \beta_{10} BI_{it} + \beta_{11} BFE_{it} + \beta_{12} BIG_{it} + \beta_{13} FSZ_{it} + \beta_{14} LEV_{it} + \beta_{15} AGE_{it} + \beta_{16} SGROW_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

CSA حساب‌آرایی:

با پیروی از پژوهش بالا و ساری (۲۰۱۹) از مدل هموارسازی سود ارائه شده توسط اِکِل (۱۹۸۱) برای اندازه‌گیری حساب‌آرایی استفاده شده است. این مدل مبتنی بر ضریب تغییرات (CV)^۱ بوده و بر اساس آن می‌توان گفت زمانی که معادله زیر برای یک شرکت برقرار باشد اقدام به حساب‌آرایی نموده است. لذا برای شرکت‌هایی که معادله زیر در مورد آنها برقرار است عدد یک و در مورد سایر شرکت‌ها عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{Profit Smoothing Index (PSI)} = \frac{CV\Delta I}{CV\Delta S} < 1$$

PSI = شاخص هموارسازی سود اِکِل

ΔS = تغییرات در فروش در طی یک سال مالی؛

ΔI = تغییرات در سود در طی یک سال مالی؛

$$CV = \text{ضریب تغییرات} = \sqrt{\frac{\text{واریانس}}{\text{میانگین}}}$$

¹ Coefficient of variation

متغیرهای مستقل

ACFAE تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی: درصد حضور اعضای کمیته حسابرسی با زمینه تحصیلی حسابداری، مالی یا اقتصاد؛

FACM تنوع جنسیت اعضای کمیته حسابرسی: چنانچه حداقل یکی از اعضای کمیته حسابرسی خانم باشد عدد یک و در غیراین صورت عدد صفر؛

ACSZ اندازه یا تعداد اعضای کمیته حسابرسی: تعداد اعضای کمیته حسابرسی؛

ACID استقلال کمیته حسابرسی: درصد حضور اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی.

متغیرهای تعدیل‌گر و کنترلی پژوهش

در این پژوهش با پیروی از پژوهش‌های پیشین انجام شده در زمینه رابطه میان ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی و ویژگی‌های مرتبط با حساب‌رسان مستقل، از حق‌الزحمه حسابرسی (AUPR) به عنوان متغیر تعدیل‌گر استفاده می‌کنیم. متغیر مذکور به عنوان متغیر شاخص اندازه‌گیری شده و چنانچه لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی شرکت بیشتر از میانه نمونه آماری باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود. متغیرهای کنترلی پژوهش شامل استقلال هیأت مدیره (BI) که به صورت درصد اعضای مستقل هیأت مدیره اندازه‌گیری می‌شود؛ تخصص مالی اعضای هیأت مدیره شرکت (BFE) که اگر در اعضای هیأت مدیره حداقل یک نفر دارای مدرک حسابداری یا حسابرسی و یا مالی و اقتصاد باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد؛ نوع موسسه حسابرسی (BIG) که متغیر شاخص بوده و چنانچه شرکت با سازمان حسابرسی قرارداد حسابرسی منعقد کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد؛ متغیر اندازه شرکت (FSZ) لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت؛ اهرم مالی شرکت (LEV) که به صورت نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود؛ عمر شرکت (AGE) که به صورت لگاریتم تعداد سال‌هایی که از زمان ثبت شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می‌گذرد محاسبه می‌شود؛ رشد شرکت (SGROW) که به صورت نسبت تغییرات در فروش سال جاری شرکت نسبت به فروش سال قبل آن اندازه‌گیری می‌گردد (بلا و شاری، ۲۰۱۹).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره شماره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره شماره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش (تعداد مشاهدات: ۷۰۰)

متغیر	نماد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی	ACFAE	۰/۷۶۶	۰/۶۶۷	۱	۰	۰/۲۳۷
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی	FACM	۰/۱۲۸	۰	۱	۰	۰/۳۳۳
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	ACSZ	۳/۱۲۵	۳	۶	۳	۰/۴۸۵
استقلال کمیته حسابرسی	ACID	۰/۳۷۴	۰/۳۳۳	۱	۰	۰/۲۰۳
حساب‌آرایی	CSA	۰/۸۷۳	۱	۱	۰	۰/۳۳۳
حق الزحمه حسابرسی	AUPR	۰/۵۲۱	۱	۱	۰	۰/۵۰۰
استقلال هیأت مدیره	BI	۰/۶۵۲	۰/۶۰۰	۱	۰	۰/۱۸۰
اندازه شرکت	FSZ	۱۴/۵۷۹	۱۴/۵۱۱	۱۷/۰۴۴	۱۲/۴۶۱	۱/۱۲۱
اهرم مالی	LEV	۰/۵۹	۰/۳۹	۲/۱۳	۰/۰۳	۰/۶۹
عمر شرکت	AGE	۱/۲۶	۱/۲۸	۱/۷۲	۰	۰/۲۵
رشد فروش	SGROW	۰/۲۱۲	۰/۱۵۳	۰/۹۶۴	۰/۳۰۶-	۰/۳۴۱
تخصیص مالی هیأت مدیره	BFE	۰/۹۱۲	۱	۱	۰	۰/۲۸۴
مؤسسه حسابرسی	BIG	۰/۱۶۵	۰	۱	۰	۰/۳۷۱

برخی موارد قابل توجه در این نگاره شامل میانگین تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر با ۰/۷۶۶ است. در واقع به طور متوسط در کمیته حسابرسی هر شرکت ۷۶/۶ درصد از آنها دارای تخصیص مالی هستند که نسبت قابل توجهی است. همچنین ۹۱ درصد از هیأت مدیره شرکت‌ها، دارای حداقل یک عضو با تخصیص مالی می‌باشد. ۳۷/۴ درصد از اعضای کمیته حسابرسی از اعضای غیرموظف هستند و متغیر استقلال هیأت مدیره نیز نشان می‌دهد که ۶۵/۲ درصد از اعضای هیأت مدیره اعضای غیرموظف هستند. میانگین رشد فروش شرکت‌ها ۲۱/۲ درصد بوده و با بررسی متغیرهای گسسته مشاهده می‌شود که به طور میانگین در ۸۷/۳ درصد شرکت‌ها حساب‌آرایی رخ می‌دهد. همچنین در ۱۲/۸ درصد از شرکت‌ها زنان در کمیته حسابرسی حضور دارند و تعداد اعضای کمیته حسابرسی بین ۳ تا ۶ نفر و میانگین تعداد اعضا بیش از ۳ نفر می‌باشد.

پیش‌فرض‌های رگرسیون

همبستگی بین متغیرها

شدت وابستگی دو متغیر به یکدیگر را همبستگی تعریف می‌کنیم. به‌طور کلی ضرایب همبستگی بین ۱- تا ۱ تغییر می‌کنند و رابطه بین دو متغیر می‌تواند به صورت مثبت یا منفی باشد. ضریب همبستگی یک رابطه مقارن است. چنانچه ضریب همبستگی به یک نزدیک‌تر باشد میزان وابستگی دو متغیر بیشتر می‌شود، این وابستگی به معنای رابطه علت و معلولی نیست و ضریب همبستگی حرفی از اینکه کدام علت و کدام معلول است به میان نمی‌آورد. با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها می‌پردازیم و با توجه به نتایج می‌توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می‌توان به بررسی دقیق‌تر این روابط پرداخت. نتایج ارائه‌شده نگاره (۲)، نشان می‌دهد که بین حساب آرای و سایر متغیرهای پژوهش همبستگی معناداری وجود ندارد.

نگاره شماره ۲: بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش (تعداد مشاهدات: ۷۰۰)

SCROW	AGE	LEV	FSZ	BIG	BFE	BI	AUPR	ACID	ACSZ	FACM	ACFAE	CSA	
												۱/۰۰	CSA
											۱.۰۰	۰/۰۵	ACFAE
										۱.۰۰	۰.۱۳	-۰/۰۶	FACM
									۱.۰۰	۰.۰۰	-۰.۰۵	-۰/۰۸	ACSZ
								۱.۰۰	۰.۱۱	-۰.۰۲	-۰.۰۳	-۰.۰۲	ACID
							۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۳	۰.۲۱	-۰.۰۱	۰.۰۵	AUPR
						۱.۰۰	۰.۱۶	۰.۰۸	-۰.۰۲	۰.۰۸	۰.۰۹	۰.۰۰	BI
					۱.۰۰	-۰.۰۱	۰.۰۵	۰.۰۳	۰.۱۲	۰.۰۳	۰.۲۱	-۰.۰۶	BFE
				۱.۰۰	-۰.۰۳	-۰.۱۹	۰.۳۵	-۰.۰۷	-۰.۰۴	۰.۱۳	-۰.۰۴	-۰.۰۳	BIG
			۱.۰۰	۰.۲۱	-۰.۰۲	۰.۱۷	۰.۴۱	۰.۰۹	۰.۱۹	۰.۱۳	۰.۰۸	۰.۰۲	FSZ
		۱.۰۰	۰.۱۴	۰.۱۰	۰.۰۰	۰.۰۷	۰.۰۸	۰.۰۴	۰.۰۹	-۰.۰۴	-۰.۰۱	۰.۰۴	LEV
	۱.۰۰	-۰.۰۲	-۰.۰۷	۰.۱۲	۰.۰۴	۰.۱۱	۰.۰۷	۰.۰۶	۰.۱۲	۰.۰۴	-۰.۰۶	-۰.۰۱	AGE
۱.۰۰	۰.۰۸	-۰.۰۴	۰.۱۶	۰.۰۸	۰.۰۰	-۰.۰۱	-۰.۰۲	-۰.۰۲	-۰.۰۷	۰.۰۵	-۰.۰۳	۰.۱۳	SGROW

* معناداری در سطح احتمال ۹۵ درصد

هم‌خطی بین جملات توضیحی

هم‌خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم‌خطی می‌باشد. در

نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

نگاره شماره ۳: نتایج حاصل از آزمون همخطی از طریق آزمون VIF

متغیر	نماد	
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	ACFAE	۱/۱۲
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی	FACM	۱/۱۷
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	ACSZ	۱/۲۳
استقلال کمیته حسابرسی	ACID	۱/۰۹
حق الزحمه حسابرسی	AUPR	۱/۵۱
استقلال هیئت مدیره	BI	۱/۲۹
تخصص مالی هیئت مدیره	BFE	۱/۱۷
موسسه حسابرسی	BIG	۱/۳۱
اندازه شرکت	FSZ	۱/۸۶
اهرم مالی	LEV	۱/۱۵
عمر شرکت	AGE	۱/۲۵
رشد فروش	SGROW	۱/۴۶
میانگین		۲/۲۵

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج رگرسیون لجستیک که برای آزمون کلیه فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است در نگاره شماره (۴) گزارش شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاره شماره ۴: نتایج مدل پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره z	احتمال آماره z
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	ACFAE	۱/۵۷۵	۰/۵۶۴	۲/۷۹	۰/۰۰۵
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی	FACM	-۰/۵۸۲	۰/۵۰۰	-۱/۱۷	۰/۲۴۴
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	ACSZ	-۰/۴۹۴	۰/۲۶۳	-۱/۸۸	۰/۰۶۰
استقلال کمیته حسابرسی	ACID	-۰/۲۰۱	۰/۶۵۹	-۰/۳۱	۰/۷۶۰
حق الزحمه حسابرسی	AUPR	۰/۰۹۷	۰/۳۴۸	۰/۲۸	۰/۷۷۹
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی* حق الزحمه	ACFAE*AUPR	۰/۹۶۶	۰/۱۷۴	۰/۸۲	۰/۴۱۰
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	FACM*AUPR	۱/۰۳۸	۰/۹۲۵	۱/۱۲	۰/۲۶۲
تعداد اعضای کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	ACSZ*AUPR	۰/۴۶۸	۰/۴۶۰	۱/۰۲	۰/۳۰۹
استقلال کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	ACID*AUPR	۱/۹۰۹	۱/۳۵۳	۱/۴۱	۰/۱۵۸
استقلال هیأت مدیره	BI	۰/۴۶۳	۰/۸۱۴	۰/۵۷	۰/۵۶۹
تخصص مالی هیأت مدیره	BFE	-۱/۵۰۵	۰/۶۵۲	-۲/۳۱	۰/۰۲۱
موسسه حسابرسی	BIG	۰/۴۹۵	۰/۳۵۲	-۱/۴۱	۰/۱۶۰
اندازه شرکت	FSZ	۰/۲۸۶	۰/۱۵۸	۱/۸۱	۰/۰۷۱
اهرم مالی	LEV	۰/۳۰۸	۲/۲۹۶	۰/۱۳	۰/۸۹۳
عمر شرکت	AGE	۰/۲۴۵	۰/۲۷۳	۰/۹۰	۰/۳۶۹
رشد فروش	SGROW	۱/۴۹۶	۰/۵۴۶	۲/۷۴	۰/۰۰۶
عدد ثابت	Cons	-۲/۱۴۸	۲/۹۱۴	-۰/۷۴	۰/۴۶۱
اثرات سال			کنترل شد		
اثرات صنعت			کنترل شد		
آماره آزمون والد (کای دو)			۶۴/۵۲		
احتمال آماره کای دو			۰/۰۰۰۴		
ضریب تعیین			۰/۱۰۸۳		

براساس نتایج مشاهده می‌شود که در سطح احتمال ۹۵ درصد، مدل در حالت کلی معنادار است چراکه احتمال آماره آزمون والد (کای دو) کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. در همین راستا با توجه به تأیید مدل پژوهش، می‌توان در رابطه با معناداری هر کدام متغیرها اظهارنظر کرد. با بررسی ضرایب متغیرهای پژوهش ملاحظه می‌شود که ضریب تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ۱/۵۷۵- است و بر اساس آماره Z در سطح ۹۵ درصد معنادار است. در واقع با افزایش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، حساب‌آرایی در شرکت افزایش می‌یابد. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد. همچنین در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر اندازه یا تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی شرکت تأیید نمی‌شود اما این فرضیه در سطح اطمینان ۹۰ درصد تأیید می‌گردد. به عبارتی در این سطح اطمینان و با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر هر چه تعداد اعضای کمیته حسابرسی در شرکت بیشتر باشد، احتمال انجام حساب‌آرایی در شرکت کمتر خواهد بود. با توجه به سطح معناداری سایر متغیرها می‌توان گفت به غیر از فرضیه اول و سوم پژوهش سایر فرضیه‌ها تأیید نمی‌گردد. با این حال با توجه به نتایج نگاره شماره (۴) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تخصص مالی اعضای هیأت مدیره نیز رابطه منفی با حساب‌آرایی شرکت دارد. همچنین رشد فروش در سطح اطمینان ۹۵ درصد و اندازه شرکت در سطح اطمینان ۹۰ درصد تأثیر مستقیم بر حساب‌آرایی شرکت‌ها دارد.

به منظور بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته و باتوجه به این که مدل لاجیت برای این پژوهش استفاده شد که مدلی لگاریتمی است و تفسیر ضرایب آن نمی‌تواند به صورت مستقیم انجام گیرد، راهکاری که در این زمینه می‌توان استفاده نمود، محاسبه اثر حاشیه‌ای متغیرها است که در نگاره شماره (۵) آورده شده است.

نگاره شماره ۵: اثر حاشیه‌ای متغیرها

متغیر	نماد	اثر حاشیه ای
تخصّص مالی اعضای کمیته حسابرسی	ACFAE	۰/۱۷۲
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی	FACM	-۰/۰۶۳
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	ACSZ	-۰/۰۵۴
استقلال کمیته حسابرسی	ACID	-۰/۰۲۲
حق الزحمه حسابرسی	AUPR	۰/۰۱۰
تخصّص مالی اعضای کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	ACFAE*AUPR	۰/۱۰۵
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	FACM*AUPR	۰/۱۱۳
تعداد اعضای کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	ACSZ*AUPR	۰/۰۵۱
استقلال کمیته حسابرسی* حق الزحمه حسابرسی	ACID*AUPR	۰/۲۰۹
استقلال هیأت مدیره	BI	۰/۰۵۰
تخصّص مالی هیأت مدیره	BFE	-۰/۱۶۵
موسسه حسابرسی	BIG	-۰/۰۵۴
اندازه شرکت	FSZ	۰/۰۳۱
اهرم مالی	LEV	۰/۰۳۳
عمر شرکت	AGE	۰/۰۲۶
رشد فروش	SGROW	۰/۱۶۴

بر اساس اعداد مندرج در نگاره شماره (۳)، فرضیه های تایید شده پژوهش به این شرح تفسیر می گردد. اگر تخصّص مالی اعضای کمیته حسابرسی یک واحد زیاد شود، احتمال وقوع حساب آرایه به میزان ۱۷ درصد افزایش پیدا می کند. همچنین اگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی یک درصد اضافه شود، احتمال حساب آرایه ۵ درصد کاهش می یابد. در صورتی که متغیرهای کنترلی شامل تخصّص مالی هیأت مدیره و رشد فروش یک واحد زیاد شوند، احتمال وقوع حساب آرایه به ترتیب ۱۶/۵ درصد کاهش و ۳/۱ درصد افزایش می یابد.

نگاره شماره (۶)، نتایج آزمون نیکویی برازش مدل رگرسیون پژوهش بر اساس آزمون هاسمر-لمشو آورده شده است. همانطور که نتایج نشان می دهد، احتمال آماره کای دو بیشتر از سطح خطای پنج درصد است، بر این اساس می توان گفت که مدل از نیکویی برازش مطلوبی برخوردار است.

نگاره شماره ۶: نتایج آزمون نیکویی برازش الگوی پژوهش

نام آزمون	آماره آزمون (کای دو)	احتمال آماره کای دو
هاسمر-لمشو	۱۵/۶۶	۰/۰۶۷۵

بحث و نتیجه‌گیری

رشد اقتصادی در هر کشوری به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی آن وابسته است. وقوع تقلب‌های مالی، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و مانع رشد اقتصادی جامعه می‌شود. از سوی دیگر ارائه اطلاعات مربوط و قابل اتکا پایه و اساس اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌باشد. اما برخی از شرکت‌ها اقدام به دستکاری اطلاعات مالی می‌نمایند. کمیته حسابرسی یکی از کمیته‌های مهم هیأت مدیره می‌باشد که موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل تخصص مالی اعضا، تنوع جنسیت، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی برای اثربخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارد. در این پژوهش این ویژگی‌ها و همچنین تأثیر تعدیلگر حق‌الزحمه حسابرسی بر رابطه این ویژگی‌ها و حساب‌آرایی در شرکت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون‌های آماری می‌توان گفت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با حساب‌آرایی شرکت‌ها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کمیته‌های حسابرسی از تخصص مالی بالاتری برخوردار باشند حساب‌آرایی در شرکت بیشتر اتفاق می‌افتد. این نتیجه با انتظارات ما همخوانی ندارد. چرا که انتظار بر این است استفاده از متخصصان مالی در کمیته‌های حسابرسی به کیفیت بالاتر گزارش‌های مالی کمک کرده و کنترل‌های داخلی را تقویت کنند. با این حال می‌توان بر اساس نتایج این فرضیه گفت که این مهم انجام نشده است. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که از کمیته حسابرسی با تخصص مالی استفاده می‌کنند، بیشتر اقدام به هموار سازی سود می‌نمایند و حساب‌آرایی بیشتری در گزارش‌های مالی آنها وجود دارد.

علت این موضوع را می‌توان ارتباط و تعامل متخصصان مالی در کمیته حسابرسی با مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت منتسب دانست، همچنین ممکن است دلیل آن عدم استقلال واقعی کمیته حسابرسی (علیرغم ۶۷ درصد استقلال که در آمار توصیفی محاسبه شده است)، تعامل کمیته‌ها با هیأت مدیره و یا عدم کیفیت کار کمیته حسابرسی باشد. با توجه به الزام شرکتها مبنی بر ایجاد کمیته‌های حسابرسی توسط سازمان بورس و راه‌اندازی این کمیته در اکثر شرکتها بر اساس الزامات بورس، کیفیت پایین فعالیت، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. چنانچه برخی پژوهش‌ها نیز

استدلال کرده‌اند که وظیفه کمیته حسابرسی اصولاً نمادین و تشریفاتی بوده و از این جهت به پیش‌بینی‌های نامشخص منجر می‌شود، چرا که نمی‌توان این وظیفه را تلویحاً از مضمون رسمی سازمان تفکیک کرد [۱۲، ۱۳، ۲۲].

نتایج این فرضیه با یافته‌های نلوان و تاسوریا (۲۰۱۹) و معینیان، حیدریان و معینیان (۱۳۹۸) که رابطه معنی داری بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و به ترتیب مدیریت سود و کیفیت سود نیافتند، همخوانی ندارد؛ با این حال متضاد نتایج آنها نیز تلقی نمی‌گردد. همچنین نتایج پژوهش بالا و امران ۲۰۱۹ که ارتباط منفی بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی و پژوهش فخاری، محمدی و نتایج کردی (۱۳۹۴) که تاثیر منفی تخصص کمیته حسابرسی بر مدیریت سود را تایید می‌کنند، مغایر است.

با این حال نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش کیبیا و امران (۲۰۱۶) که ارتباط منفی بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی یافت سازگار است. زیرا کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوسی با مفهوم حساب‌آرایی در شرکت‌ها دارد. همچنین نتایج این فرضیه با نتایج دو پژوهش انجام شده در محیط ایران شامل پژوهش نصیری و جعفر زاده (۱۳۹۸) و سلیمانی امیری و فصیحی (۱۳۹۴) که رابطه مثبت بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی با تقلب و مدیریت سود واقعی یافته‌اند، سازگار است. هر سه این نتایج نشان‌دهنده عدم کارایی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برای پیشگیری از مدیریت سود و حساب‌آرایی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

درخصوص فرضیه سوم این پژوهش، نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی میان اندازه کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی می‌باشد. این نتیجه بدین معناست که هر چه تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر باشد، حساب‌آرایی در شرکت کمتر اتفاق می‌افتد. نتیجه فرضیه مذکور با پیش‌بینی‌ها مبنی بر تاثیر تعداد اعضای کمیته حسابرسی برای کاهش امکان تبانی و لذا افزایش کیفیت کار کمیته حسابرسی کاملاً سازگار است.

نتایج این فرضیه با پژوهش سلیمانی امیری و فصیحی (۱۳۹۴) سازگار نیست زیرا آنها ارتباط معنی‌داری بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت نیافتند. با این حال نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش کردلوئی و یوسفی (۱۳۹۶) مبنی بر ارتباط مستقیم بین اندازه شرکت و کیفیت صورتهای مالی و یافته‌های نصیری و جعفرزاده (۱۳۹۸) و فخاری، محمدی و نتایج کردی (۱۳۹۴) مبنی بر ارتباط منفی بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی با تقلب و مدیریت سود واقعی از

طریق تولید بیش از حد و هزینه‌های اختیاری را تایید و تقویت می‌نماید. همچنین این نتیجه با یافته‌های پژوهش بگستر و کاتر (۲۰۰۹) که معتقدند کمیته‌های حسابرسی بزرگتر نظارت موثرتری بر کیفیت گزارشگری مالی دارند سازگار است. از آنجا که برای مدیریت سود یا حساب‌آرایی نیاز به توافق و همکاری افراد درون شرکتی است، این کار با وجود تعداد بیشتری از اعضای کمیته حسابرسی مشکل‌تر خواهد بود. همچنین هر چه تعداد اعضای این کمیته بیشتر باشد احتمال کشف حساب‌آرایی نیز بیشتر خواهد بود. لذا اکثر پژوهش‌ها در خصوص رابطه منفی بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود یا سایر انواع حساب‌آرایی متفق القول هستند.

درخصوص فرضیه‌هایی که تأثیر حق‌الزحمه حسابرسی بر ارتباط ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی و حساب‌آرایی را بررسی نمودند به نتایج معنی‌داری دست نیافتیم. با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیات قبلی، کسب نتیجه عدم تأثیر گذاری حق‌الزحمه حسابرسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حساب‌آرایی شرکت‌ها دور از ذهن نبوده و می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که کمیته حسابرسی هنوز در شرکت‌ها جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. از لحاظ تئوریک ممکن است این نتایج یعنی رد همزمان چهار فرضیه پژوهش و عدم تعدیل شدن رابطه بین تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی با حساب‌آرایی شرکت‌ها توسط متغیر تعدیلگر حق‌الزحمه حسابرسی تا حدودی غریب به نظر آید؛ ولی با بررسی آثار و شواهد موجود مبنی بر کارایی ضعیف کمیته‌های حسابرسی در مورد کیفیت گزارشهای مالی شرکت، درک این نتیجه راحت‌تر و نتایج به دست آمده ملموس‌تر خواهد بود. از طرف دیگر از آنجایی که میزان و تعیین حق‌الزحمه حسابرس در جلسات مجمع عمومی شرکت‌ها عمدتاً به عهده هیأت‌مدیره واگذار می‌شود و هیأت‌مدیره در تنظیم و تعیین مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی اختیار دارد، لذا اعضای کمیته حسابرسی صرفنظر از تنوع جنسیت، تخصص، استقلال و تعداد، نقشی در میزان حق‌الزحمه حسابرس ندارند. بنابراین نتایج این فرضیه‌ها در کشورمان با واقعیت روز هماهنگ به نظر می‌رسد.

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش و به خصوص تأثیر مستقیم تخصص اعضای کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی، که نشان‌دهنده عدم موفقیت طرح استفاده از متخصصان مالی در کمیته حسابرسی برای جلوگیری از حساب‌آرایی و مدیریت سود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی است، پیشنهاد می‌شود مجامع عمومی سهامداران بیشتر به انتخاب اعضای متعهد در کمیته حسابرسی توجه کرده و حتی‌المقدور

تأثیر انتساب آنها بر کیفیت گزارشگری مالی را بررسی نموده و یا تلاش شود با راهکارهای انگیزشی فعالیت کمیته‌های حسابرسی از حالت نمایشی و ظاهری به عملکردی موثر و مفید در افزایش کیفیت اطلاعات تغییر یابد. همچنین با توجه به تأثیر منفی اندازه کمیته حسابرسی بر حساب‌آرایی پیشنهاد می‌شود بیشترین تعداد عضو مجاز قانونی برای تعداد اعضای کمیته حسابرسی انتخاب گردد تا امکان بیشتر و موثرتری برای پیشگیری از مدیریت سود و حساب‌آرایی فراهم آمده و از منافع سهامداران به نحو احسن محافظت گردد.



منابع و مأخذ

- 1- Abbadi, S. S., Hijazi, Q. F., & Al-Rahahleh, A. S. (2016). Corporate governance quality and earnings management: Evidence from Jordan. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 10(2), 54-75.
- 2- Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 69-87.
- 3- Abbott, L. J., Parker, S., Peters, G. F., & Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A journal of practice & theory*, 22(2), 17-32.
- 4- Baker, C. R., Bédard, J., & dit Hauret, C. P. (2014). The regulation of statutory auditing: an institutional theory approach. *Managerial Auditing Journal*.
- 5- Bala, H., Amran, N. A., & Shaari, H. (2019). Audit committee attributes and cosmetic accounting in Nigeria. *Managerial Auditing Journal*, 35(2), 177-206.
- 6- Bamahros, H. M., & Bhasin, M. L. (2016). Audit committee characteristics and unexpected accruals: an empirical study of Malaysia. *Wulfenia*, 23, 181-199.
- 7- Baxter, P. (2010). Factors associated with the quality of audit committees. *Pacific Accounting Review*.
- 8- Baxter, P., & Cotter, J. (2009). Audit committees and earnings quality. *Accounting & finance*, 49(2), 267-290.
- 9- Beasley, M. S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Lapides, P. D. (2000). Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms. *Accounting Horizons*, 14(4), 441-454.
- 10- Bruynseels, L., & Cardinaels, E. (2014). The audit committee: Management watchdog or personal friend of the CEO?. *The accounting review*, 89(1), 113-145.

- 11- Carcello, J. V., Hermanson, D. R., Neal, T. L., & Riley Jr, R. A. (2002). Board characteristics and audit fees. *Contemporary accounting research*, 19(3), 365-384.
- 12- Carrera, N., Sohail, T., & Carmona, S. (2017). Audit committees' social capital and financial reporting quality. *Accounting and Business Research*, 47(6), 633-672.
- 13- Choi, J. H., & Wong, T. J. (2002). Audit markets and legal environments: An international investigation. *Available at SSRN 337840*.
- 14- Cohen, J. R., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2008). Form versus substance: The implications for auditing practice and research of alternative perspectives on corporate governance. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27(2), 181-198.
- 15- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of accounting and economics*, 50(2-3), 344-401.
- 16- DeFond, M., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of accounting and economics*, 58(2-3), 275-326.
- 17- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
- 18- Felo, A. J., Krishnamurthy, S., & Solieri, S. A. (2003). Audit committee characteristics and the perceived quality of financial reporting: an empirical analysis. Available at SSRN 401240.
- 19- Fuad, N. S. (2017). The impact of audit committee characteristics on financial distress. *Diponegoro Journal of Accounting*, 6(2), 1-9.
- 20- Gao, H., & Huang, J. (2018). The even-odd nature of audit committees and corporate earnings quality. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(1), 98-122.
- 21- Green, S. (2005). Sarbanes-Oxley and the board of directors: Techniques and best practices for corporate governance. John Wiley & Sons.

- 22- Haji, A. A., & Anifowose, M. (2016). Audit committee and integrated reporting practice: does internal assurance matter?. *Managerial Auditing Journal*.
- 23- Islam, M. Z., Islam, M. N., Bhattacharjee, S., & Islam, A. K. M. Z. (2010). Agency problem and the role of audit committee: Implications for corporate sector in Bangladesh. *International journal of Economics and Finance*, 2(3), 177-188.
- 24- Kibiya, M. U., Che-Ahmad, A., & Amran, N. A. (2016). Audit committee independence, financial expertise, share ownership and financial reporting quality: Further evidence from Nigeria. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(7S).
- 25- Mangena, M., & Pike, R. (2005). The effect of audit committee shareholding, financial expertise and size on interim financial disclosures. *Accounting and Business Research*, 35(4), 327-349.
- 26- Nelwan, M. L., & Tansuria, B. I. (2019). Audit committee characteristics and earnings management practices. *Journal of Economics, Business, & Accountancy Ventura*, 22(1), 85-97.
- 27- Oradi, J., & Izadi, J. (2019). Audit committee gender diversity and financial reporting: evidence from restatements. *Managerial Auditing Journal*.
- 28- Persons, O. S. (2009). Audit committee characteristics and earlier voluntary ethics disclosure among fraud and no-fraud firms. *International journal of disclosure and governance*, 6(4), 284-297.
- 29- Rahman, R. A., & Ali, F. H. M. (2006). Board, audit committee, culture and earnings management: Malaysian evidence. *Managerial Auditing Journal*, 21(7), 783-804.
- 30- Rahmat, M. M., Iskandar, T. M., & Saleh, N. M. (2009). Audit committee characteristics in financially distressed and non-distressed companies. *Managerial Auditing Journal*.
- 31- Sellami, Y. M., & Cherif, I. (2020). Female audit committee directorship and audit fees. *Managerial Auditing Journal*, 30(3), 398-428.

- 32- Whittington, G. (1993). Corporate governance and the regulation of financial reporting. *Accounting and Business Research*, 23(sup1), 311-319.
- 33- Yang, C. Y., Tan, B. L., & Ding, X. (2012). Corporate governance and income smoothing in China. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 10(2), 120-139.
- 34- Yang, J. S., & Krishnan, J. (2005). Audit committees and quarterly earnings management. *International Journal of Auditing*, 9(3), 201-219.
- 35- Jamei, Reza and Azade Rostamian. (1395) "The effect of financial expertise of the audit committee on the characteristics of expected profit". *Journal of financial accounting and audit research*, year eight, number twenty-nine. P. 1-17. *(In Persian)*
- 36- Khajeh Nasiri, Samia and Mohammad Sadeq Jafarzadeh Bi-Shek. (1398). "Relationship of audit committee with fraud in financial reporting". Accounting and management perspective, second year, eleventh issue. pp. 76-92. *(In Persian)*
- 37- Rezazadeh, Javad; Abdi, Mustafa and Mehdi Kazemi, Sciences (1396). "Features of the audit committee and re-presentation of financial statements". *Financial Accounting Research Quarterly*, 9th year, 32nd issue, pp. 1-16. *(In Persian)*
- 38- Soleimani Amiri, Gholamreza and Soghari Fasihi. (1394). "Investigating the relationship between audit committee characteristics and accrual and actual profit management of companies listed in Tehran Stock Exchange". *Journal of accounting reviews*, second year, number eight. pp. 15-34. *(In Persian)*
- 39- Fakhari, Hossein; Mohammadi, Javad and Mohsen, Hassan Natayeg Kurdi. (1394). "Investigating the effect of audit committee characteristics on profit management through real items". *Quarterly Journal of Experimental Studies of Financial Accounting*, Year 12, Number 46, pp. 123-146.. *(In Persian)*
- 40- Kordloui, Hamidreza, Yousefi, Vahid. (1396). "Characteristics of audit committee and quality of financial statements". *Business Management Quarterly*, 9th year, 36th issue. pp. 93-108.. *(In Persian)*

- 41- Karmi, Gholamreza; Faraji, Omid and Amin Rahimzadeh. (1397). "Expertise of audit committee and management of expectations". *Financial Accounting Research Quarterly*, 10th year, 35th issue, pp. 37-54.. (In Persian)
- 42- Moinian, Hassan; Heydarian, Mohsen and Hossein Moinian. (1398) "The role of experience and financial expertise of audit committee members on profit quality". *Quarterly specialized scientific journal of research in accounting and economic sciences*, second year, number twenty-three. pp. 117-100. (In Persian)

